



معرفی نسخه خطی «تحریر ترجمه درالتثیر فی النصیحه و التحذیر»

فاطمه حاجی قاسملو^۱

دانشجوی دکترا زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی خوی، ایران.

آیت شوکتی^۲ (نویسنده مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی خوی، ایران.

مجتبی صفر علی زاده^۳

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی خوی، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۹/۶/۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۱۵

چکیده

نسخ خطی از مهم‌ترین ارکان فرهنگی بشر و نشانگر تاریخ و تمدن یک سرزمین و وسیله تعمق و ژرف‌نگری در شناسنامه ملی ایران است که موجب رونق و غنای پیشینه‌ی علمی، ادبی و تاریخی و... میشود. دبیر اعلم فرزند رئیس محمّد منشی از سخنوران و نویسندگان قرن ۱۴، خوشنویس، شاعر و نویسنده عصر قاجار، است. «تحریر ترجمه درالتثیر»، یکی از چند آثار قلمی وی می‌باشد. این اثر در

۱ . f.hajighasemloo@gmail.com

۲ .shokati81@yahoo.com

۳ . safaralizadeh@gmail.com

ادب تعلیمی، شامل ۱۶ حکایت به زبان حیوانات است که هر کدام مشتمل بر یک یا چند اصل اخلاقی است که دبیراعلم در اثنا یا در پایان به آن میپردازد. روش کار در این جستار بر مبنای مطالعه کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی و اسنادی می‌باشد. بررسی تضامین در این اثر بازگویی این امر است که وی به آثاری نظیر کلیله و دمنه، گلستان، مثنوی و... نظر داشته است. در اثر فوق هر حکایت ابتدا به زبان عربی و سپس به زبان فارسی قید شده است. از بررسی بخش عربی و فارسی حکایت چنین بر می‌آید که حجم حکایات در قسمت فارسی طولانی‌تر است؛ دبیراعلم با تسلطی که به مباحث ادبی و حکمی دارد به بسط داستان پرداخته است.

کلیدواژه: نسخه خطی، تصحیح، دبیراعلم، تحریر ترجمه درالنتیر

مقدمه

بازخوانی و تصحیح بر نسخ خطی، به عنوان احیاء آثار ادبی و فرهنگی، در حقیقت نگاهی دوباره از سر تعمق و ژرف نگری در شناسنامه ملی ایران است. پرداختن به این آثار و معرفی این ذخایر نفیس و ارزشمند، موجب رونق و غنای پیشینه علمی، ادبی، تاریخی و... می‌شود.

«با آن که بیش از یک قرن از ورود صنعت چاپ به ایران می‌گذرد، هنوز بسیاری از میراث فرهنگی قلمرو زبان فارسی و ایران اسلامی در میان اوراق کتب خطی در کتابخانه‌های عمومی یا خصوصی، در گوشه و کنار جهان نهفته است.» (ستوده، ۱۳۸۰: ۴۰۳) در واقع نسخ خطی، میراث فرهنگی ملت‌ها محسوب می‌شوند؛ که نماد غنای فرهنگی و بیانگر تلاش مردم یک کشور در گردآوری و حفظ دستاوردهای فکری، علمی و تاریخی آن سرزمین است. همچنین، نسخ خطی از عوامل اصلی نقل و انتقالات دانش و تجربیات بشری محسوب می‌شوند. از این رو در مطالعات و تحقیقات تاریخی، ادبی، دینی، فرهنگی و قومی نقش مهمی دارند. چه بسا که با شناسایی و تصحیح نسخه‌ای میتوان به اطلاعات هر چه بیشتری از آن منطقه یا آن دوره زمانی پی برد. چرا که مصحح بدون دستبرد در متن اصلی، شروع به تصحیح کرده و همچون «امینی است که میکوشد غبار تصرفات کاتبان و اهل ازمنه پیش را از چهره

اثر بزداید و بر مبنای دریافتی که از حیات و روزگار و زبان و باورهای نویسنده اثر دارد، در چارچوب ضوابط علمی و احتیاطات امانتدارانه، متنی مطابق یا مانند آنچه مؤلف تسوید کرده است، ارائه دهد.» (جهانبخش، ۱۳۷۸: ۱۳) بنابراین «توجه به احیاء و تصحیح متون، نمایانگر هویت و حیثیت ایرانی فارسی زبانان» (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۴۰) بوده و به مدد متون بازمانده از اعصار گذشته است که می‌توان «گذشتگان و آراء و عقاید و چونی و چندی ضعف و قوتشان و به طور کلی تاریخ فرهنگ را آنگونه که بوده است، نه آن سان که شده است، باز شناخت.» (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۳۸۰)

پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیق مستقلی درباره معرفی نسخه خطی «تحریر ترجمه درالتثیر فی النصیحه و التحذیر» صورت پذیرفته است.

بیان مسأله

احیاء یک نسخه به زنده کردن یک انسان تشبیه شده است. انسانی که سر برداشته و باز می‌نماید که گذشتگان ما چگونه فکر می‌کردند؟ چگونه حرف می‌زدند؟ و چه کارهایی انجام داده‌اند؟

فدایی نیز درباره اهمیت و ضرورت شناسایی و احیاء نسخ خطی، دو دلیل عمده بیان می‌کند که عبارتند از: «الف) قدمت داشتن و عتیقه بودن؛ به ویژه اگر از هنرهای مثل خوشنویسی، تذهیب، تجلید، نقاشی و... در زیباسازی آنها استفاده شده باشد. ب) علمی یا تحقیقی بودن؛ یعنی اگر منتشر شوند، زمینه تحقیق در موضوعات متنی، سبک شناسی و مانند آن را فراهم می‌کنند یا میتوانند در تکمیل و تصحیح سایر کتب یا نسخ مؤثر و یا حاوی اطلاعاتی درباره میراث فرهنگی اسلام و ایران مفید باشند.» (فدایی، ۱۳۸۷: ۱۲)

میرزاتقی ساوجبلاغی، دبیر اعلم از سخنوران و نویسندگان قرن چهاردهم است. وی خوشنویس، شاعر و نویسنده روزگار قاجار، فرزند رئیس محمد منشی ساوجبلاغی است

که در سایه فضل و تربیت و هنر پدر، مسئولیت تحریرات محرمانه و رسائل خاصه محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار را به عهده داشته است. «تحریر ترجمه دراللتیر فی النصیحه و التحذیر»، یکی از چندین آثار این شاعر سخنور و دانشمند است. این اثر در ادب تعلیمی و از نوع فابل می‌باشد.

در این میان، تاریخ دوره قاجاریه، یکی از دوره‌های مهم تاریخ ایران، چه از نظر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و چه از نظر طول دوره محسوب می‌شود. در این دوره ما شاهد نگارش بسیاری از آثار تاریخی هستیم که بخشی از این آثار به چاپ رسیده است؛ با این حال بخش زیادی از این آثار به صورت نسخ خطی در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور باقی مانده است که ضرورت دارد به منظور شناسایی این دوره تاریخی و پژوهش در ابعاد مختلف آن، تصحیح و مورد نقد و ارزیابی قرار گیرند. یکی از این نسخه‌ها که تصحیح و شرح آن می‌تواند در بازآفرینی گذشته فرهنگی این دوره موثر باشد، نسخه خطی «تحریر ترجمه دراللتیر فی النصیحه و التحذیر» است.

مقاله حاضر در صدد معرفی نسخه خطی «تحریر ترجمه الدراللتیر فی النصیحه و التحذیر» است. با توجه به اینکه تاکنون تنها یک نسخه از این اثر شناسایی شده است، این اثر به روش قیاسی تصحیح و تحشیه شده است.

میرزا تقی ساوجبلاغی، دبیراعلم

میرزا تقی ساوجبلاغی دبیراعلم، در سال ۱۲۶۴ق در قریه نجم آباد ساوجبلاغ چشم به جهان گشود. پدرش، محمد رئیس منشی، تربیت و تحصیل وی را عهده‌دار شد. وی در انواع فنون، از جمله ترجمه عربی، نگارش انواع خط از سرآمدان عصر خود بود. آثار به جا مانده از ایشان به وضوح نشانگر تبخر این ادیب برجسته در انشاء، خط، ادبیات فارسی، زبان عربی، ترکی و فرانسه می‌باشد.

حسینی اشکوری سال وفات وی را بعد از سال‌های (۱۳۴۷ ق / ۱۳۰۷ ش) قید کرده است. (ر.ک فهرست نسخ خطی ایران، حسینی اشکوری: ص ۱۸۷) در حالی که فرزندش در نسخه‌ای

از کتاب «شکرالعباد»، به شکل دقیق، تاریخ وفات ایشان را ۱۷ رمضان سال (۱۳۶۵ق / ۱۳۲۵ش) قید کرده‌اند. (دانش پژوه، افشار، ۱۳۴۴:۱۸۹) مزار ایشان در ابن بابویه شهر ری می‌باشد.

وی شیعه دوازده امامی بود. ترجمه نهج البلاغه منظوم، ترجمه صحیفه سجادیّه منظوم و... در کارنامه اثری این ادیب نشان از این امر دارد. آثار وی که تعدادی از آنها جزء نخستینه‌هایی در ادبیات فارسی در علوم و فنون گوناگون به چهار زبان فارسی، عربی، ترکی و فرانسه به صورت نسخ خطی بر جای مانده‌اند بدین قرار می‌باشد. نهج البلاغه منظوم - نظم مصباح الشریعه - شکرالعباد - نظم جامع عباسی - خلاصه تواریخ - کنز مؤمن - نظم کبری در منطق کبری - منظومه‌ای در نحو - نحو - دستور انشاء - ترجمه منظوم صحیفه سجادیّه - ترجمه منظوم صد کلمه نویسنده - ترجمه عهدنامه مالک اشتر - دیوان اشعار - تاریخ عالم - ترجمه امینیّه اتابکیّه - منتخب ادعیه - قزل چشمه - کتاب چاره‌ساز - شاهنشاه نامه.

«تحریر ترجمه درالتثیر فی النصیحه و التحذیر»

«تحریر ترجمه درالتثیر فی النصیحه و التحذیر» کتابی ادبی و حکمی از نوع فابل است که در آن به آثاری نظیر کلیله و دمنه، مثنوی، گلستان سعدی، حکایت‌های جهان ازوپ (Aesop) توجه شده است.

دبیراعلم در مقدمه عربی نسخه بیان می‌کند که "حسین حسنی" این حکایات حکمی را از بعضی تصانیف حکمی ترکی برگزیده و به زبان عربی ترجمه کرده و آن را «درالتثیر فی النصیحه و التحذیر» نام نهاده است. (تاریخ نگارش کتاب نامعلوم است.) «یُنشی الفقیر الی الله حسین الملقب بحسّنی: «هذه حکایات حکمیّه علی لسان العجاوات، المرویّه و هی خمسّه عشرون حکایه وضّعها ارباب الدرایه انتخبته من بعض التصانیف الحکمیّه التُریّه و ترجمتها الی اشرف اللغات العربیّه و سمّیتها «الدر التثیر فی النصیحه و التحذیر» (ب مقدمه) برادر کوچک دبیراعلم، ملا عباسعلی ملقب به فقیه‌الملک، که نابینا بود کتاب درالتثیر را از عربی به

فارسی ترجمه کرده، به خطّ عزیزالله (فرزند دبیراعلم) به امین السلطان تقدیم شده است. در سال ۱۳۰۹ (ه.ق) نیز دبیراعلم «ترجمه درالنثیر» را بازنویسی و کتابت کرده است. «ملاً عبّاسعلی برادر صغیر این غلام، که نابینا و ضریر است با وجود صغر سن از اثر آفتاب عهد فیروز به قوه استماع تحصیل نموده، این کتاب درالنثیر را از عربی به فارسی ترجمه نموده به خطّ غلامزاده، عزیزالله به حضرت اجل مستطاب امین الملک داده [است]؛ این فدوی خانه زاد را شرفیاب حضور مهر ظهور همایون - ارواح العالمین فداه - نموده و شرحی از شرح مثنوی مولوی به عرض لحاظ مقدّس انور اعلی مقرون و این خانه زاد را موجب مباحثات گردید هم به تشکرات فدویانه به تحریر^۴ ترجمه درالنثیر اعاده مینماید.» (همان: مقدمه)

این اثر مشتمل بر ۲۶ حکایت از زبان حیوانات و گیاهان است که هدف و غرض اصلی از بیان آنها نتیجه اخلاقی و حکمی آنها است که در پایان اشاره می شود. پایان هر حکایت آراسته به فن تضمین است.

در این نسخه ابتدا حکایات به زبان عربی و سپس به زبان فارسی قید شده است. مترجم در ترجمه حکایات به «ترجمه تحت اللفظی»^۵ بوده است ولی در بعضی قسمت ها با توجه به تغییر زبان و توضیح مفصّل تر، شکل ترجمه از نوع «آزاد»^۶، تبعیت کرده است.

دبیراعلم در مقدمه تعداد داستان ها را ۲۵ عنوان ذکر کرده است؛ ولی نسخه، ۲۶ حکایت دارد. دو حکایت ۴ و ۱۱ «گرچه با موش ها» همنام هستند در حالی که محتوای متفاوتی دارند، که به نظر می رسد کاتب به این امر نظر داشته است.

۴ - تحریر در معانی «نوشتن و کتابت کردن»، «کلام را از زواید و حشو پاک کردن» و «باز نویسی» به کار برده شده است. (لغت نامه، دهخدا)

۵ - در برابر هر واژه متن زبان مبدا، واژه ای از زبان مقصد آورده می شود. (ر.ک. هفت گفتار، صفوی: ص ۳۴)

۶ - مترجم در چنین مرحله ای پیام متن زبان مبدا را در مجموعه جملاتی از زبان مقصد بدست می دهد. (همان: ۳۵)

عناوین حکایات با شنگرف، نگاشته شده است. در عناوین فارسی به نام حیوانات و شخصیت‌های داستان اشاره شده است در حالی که در عناوین عربی چند حکایت، به صفت شخصیت آن حکایت نیز اشاره شده است. (ر.ک حکایت سوم) عنوان حکایات به قرار ذیل می‌باشند:

- حکایت اولی حکایه الذئب مع الثعلب / حکایت اول «گرگ و روباه»
- الحکایه الثانیه بین نملہ و صرار و عند العامه صرصار / حکایت دوم «مور و صرار» - الحکایه الثالثه بین سبع و حمار بلید ذی بُلہ و شِنار / حکایت سوم «شیر و خر» - حکایه الرابعه بین قُط و فیران عملت بالنصیحه و وصلت بالتأنی الی الظفر بالامان / حکایت چهارم «گره با موش‌ها» - الحکایه الخامسه بین کلب و ثعلب / حکایت پنجم «سگ و روباه» - الحکایه السادسه بین ثعلب و غراب أوقعته الخدیعه فی الحزن و الاکتئاب / حکایت ششم «روباه و غراب» - الحکایه السابعه حکایت الکلب السارق / حکایت هفتم «سگ دزد» - الحکایه الثامنه بین قرد و سلحفأ و يقال له عند العامه و زحلفه / حکایت هشتم «بوزینه و سنگ پشت» - حکایه التاسعه حکایه السمکه المعجبه بنفسها لمتوجهه الی البحر / حکایت نهم «ماهی متکبر» - الحکایه العاشره حکایه الفلاح مع القرعه حین فر عنه بجمیزه شر قرعه / حکایت دهم «زارع فضول و عبرت او» - الحکایه الحادیه عشره حکایه القط مع الفیران / حکایت یازدهم «گره با موش‌ها» - الحکایه الثانیه عشر و حکایه السبع مع الغزلان / حکایت دوازدهم «شیر با نخجیران» - الحکایه الثالثه عشر و حکایه الشجره الکبیره مع شجره بوص / حکایت سیزدهم «درخت بزرگ و کوچک» - الحکایه الرابعه عشره حکایه المعده مع الاعضاء / حکایت

چهاردهم «معدده و اعضاء» - الحکایه الخامسه عشره حکایه الغراب /
 حکایت پانزدهم «زاع» - الحکایه السادسه عشره حکایه الثعلب مع العنب /
 حکایت شانزدهم «روباه» - الحکایه السابعه عشره حکایه الفراخ مع الثعلب /
 حکایت هفدهم «مرغ فروش و روباه» - الحکایه الثامنه عشره حکایه
 السبع و الثعلب و الذئب / حکایت هجدهم «شیر با گرگ و روباه» -
 حکایه التاسعه عشره حکایه القط مع البغاء و هی المسماء عند العامه بالدره /
 حکایت نوزدهم «طوطی و گربه» - الحکایه العشرون حکایه السبع مع الفار /
 حکایت بیستم «شیر با روباه» - الحکایه الحادیه العشرون حکایه الحمام
 الساکن فی البریه / حکایت بیست و یکم «کبوترها» - الحکایه الثانيه و
 العشرون حکایه الغیطانی مع اولاده / حکایت بیست و دوم «ارباب صاحب
 ملک با اولادش» - الحکایه الثالثه و العشرون حکایه القطه مع السبع / حکایت
 بیست و سوم «شیر و گربه» - الحکایه الرابعه و العشرون حکایه البغاء مع
 الثعبان / حکایت بیست و چهارم «طوطی و مار» - الحکایه الخامسه و
 العشرون حکایه الثعلب و القمری / حکایت بیست و پنجم «روباه و قمری»
 - الحکایه السادسه و العشرون حکایه الصیاد مع الدب / حکایت بیست و ششم
 «صیاد و خرس»

معرفی نسخه «تحریر ترجمه درالنثر فی النصیحه و التحذیر»
 کتاب فهرست نسخ خطی ایران (فنخا)، این اثر را بی‌کا و بی‌تا معرفی کرده است.
 (درایتی، ۱۳۹۰: ۵۰۲/۱۴) در حالی که با توجه به مقدمه این اثر می‌توان دریافت که دبیراعلم به
 تحریر این اثر پرداخته است و تاریخ آن را به شکلی واضح و خوانا، ۱۳۰۹ (توشقان نیل) قید

کرده است. «سرانجام غره محرم الحرام توشقان^۷ نیل ۱۳۰۹ برای کتابخانه مبارکه تسوید نمود.» (ب ۹۶)

از این اثر فقط یک نسخه منحصر به فرد، در «کتابخانه ملی حسین آقا ملک» به شماره «۶۳۷» موجود می‌باشد؛ (ر.ک: فهرست کتابخانه ملی ملک، ج ۲ ص ۱۳۳) و تاکنون نسخه جدید معرفی نشده است. نسخه «تحریر ترجمه درالتثیر فی النصیحه و التحذیر» دوباره خوانی و حاشیه‌نویسی نشده است. صفحات افتادگی ندارد ولی در چندین صفحه کلمات و سطوری کاملاً مخدوش شده و از بین رفته است. این نسخه بدون درج زیر نویس نگاشته شده است. دبیراعلم فن رکابه^۸ را در نهایت تبخّر و مهارت به کار گرفته است. بدین ترتیب که کلمه رکابه را داخل در متن (آخرین سطر آخرین کلمه از هر برگ / پایین سمت چپ) می‌آورد بدون اینکه در حاشیه نسخه یادداشت کند که نشان از ذوق بسیار والای وی و جای بسی تحسین را نیز دارد.

در صفحه عنوان نسخه، در سرلوحه، نقاشی‌هایی (با استفاده از رنگ‌های لاجوردی، سرمه‌ای، صورتی، کرمی، قرمز و سبز و...) ترسیم شده است. این نسخه مجدول بوده و تمام حکایات و متن کتاب در جداول منتظم، با حاشیه‌های سرمه‌ای رنگ، با مرکب مشکی نگاشته شده‌اند.

این اثر به خط نستعلیق شکسته، در ۴۹ برگ ۱۲ سطری در اندازه (۱۶/۸*۱۱/۳) در کاغذ فرنگی، نوشته شده است؛ و جلد آن مخمل آبی است.

آغاز نسخه:

۷ - از سال‌های ترکی (سال خرگوش)

۸ - سابقاً که برگ شماری نسخه‌ها مرسوم نبوده است برای حفظ ترتیب برگ‌ها کلمه اول برگ بعدی را زیر آخرین سطر برگ سابق در گوشه چپ می‌نوشتند به این کار در اصطلاح نسخه‌شناسی رکابه می‌گویند. برای کنترل ترتیب برگ‌های نسخه توجه به رکابه ضروری است.

این نسخه با عبارت « بسمه تبارک و تعالی... الحمد لله منطلق البلاء بالحکم، مُرسل النَّبِی الی کافه العرب و العجم.... شروع شده است. (ب مقدمه)

انجام نسخه:

انجامه نسخه خطی «تحریر ترجمه در الثیر فی النصیحه و التحذیر» نیز بدین قرار می باشد.

«احمق ار حلوا نهذ اندر لبم من از آن حلوی او اندر تبم»

رسم الخط و ویژگی های نگارشی نسخه

سرهم نویسی:

- چسبیدن جزء پیشین «می» در افعال:

عافل در اقدام به امری تفکر میکند. (ب ۹)

حیوان ترک نمیکند طبیعت و خلقت اصلیه خود را. (ب ۴۹)

میرسم از اینکه به این حالت افتادن او حيله باشد. (ب ۱۹)

- چسبیدن جزء پیشین «بی» به کلمه بعد از خود:

آن بیوفای بدکاره از نزد بوزینه آمد. (ب ۳۴)

- چسبیدن حرف اضافه «به» به کلمه بعدی:

شیر دوشیده شده **پیستان** عود نمی کند نانجیبی نیز قلب **بنجابت** نمیشود. (ب ۴۹)

- چسبیدن «ها» جمع به اسم:

مرقعا و قطعات مدیحه در کتابخانه مبارکه و خزانه عامره به شرافت دودمان چاکری ضبط

است. (ب ۳)

هر که در این تفکر باشد چون گرگ حریص برای ثمرات و منافع عاجله خود رابه **عذابهای**

آجله دچار نماید. (ب ۱۰)

سرهم نویسی گاهی باعث می شود «ه» غیرملفوظ از آخر کلماتی که با «ها» جمع بسته شده،

حذف گردد.

جوجها بزرگ شدند آن‌ها را به قفسی گذاشت و به عزم فروش در بازار با خود برداشت.
(ب ۶۰)

- همچنین وقتی «ه» غیر ملفوظ در مجاورت «ه» قرار می‌گیرد حذف میشود.

حکم میکرد در میان آن نهر **بهر** چیزی که میخواست. (ب ۴۰)

- چسبیدن حرف نشانه «را» به کلمه قبل از خود:

من **توا** بدوش گرفته از آب میگذرانم. (ب ۳۶)

من ندیدم **توا** هیچوقت ساکت باشی. (ب ۲۵)

- نوشتن حروف «گ» به شکل «ک»

«نویسنده در این متن از رسم الخط قدیم استفاده می‌کند، یعنی شیوه نگارشی که کاتب

حروف «پ، چ، ژ» را با یک نقطه نوشته است و بین دو حروف «ک» و «گ» تمیزی قائل

نشده است.» (متنی، ۱۳۴۶:۱۶۱)

زاغی سه روز تشنه ماند برای آب **میکشت**. (ب ۵۶)

مگر اینکه انداختن درای **بکردن** گربه اشکال دارد. (ب ۴۶)

- چسبیدن کلمه «هیچ» به کلمه بعدی (در برخی موارد):

من ندیدم **ترا هیچوقت** ساکت باشی. (ب ۲۵)

بهیچوجه خلاص از چنگال او ممکن نبود. (ب ۴۵)

- چسبیدن «این» و «آن» به کلمه بعد از خود:

همین که برای آوردن آن رویاه رفت اینرویه فرصت بدست آورد. (ب ۶۰)

هم گربه بحوالی **آندرخت** منزل داشت. (ب ۶۶)

- عدم رعایت نقاط در مواردی:

- سراوار نباشد مرد را اینکه بگوید **حنین و حنان** خواهم کرد. (ب ۴۶)

- بر این مطلب اتفاق کرده **بمنزل** شیر رفتند. (ب ۴۸)
- چنگال به آن فرو برده و طعمه **خویس ساخت نحیران** چون این بدیدند. (ب ۴۸)
- نوشتن الف بدون مد در ابتدای کلمه:
- محل دفینه بشما اشکار خواهد شد. (ب ۷۸)
- پس از ان اسبی دیدند. (ب ۸۴)
- گاهی «ء» در آخر کلمات نیز نشانه «ی» نکره است که بدین شکل ظاهر می شود.
- «در یکی از خانه ها گربه بود بسیار مسلط به گرفتن موش ها» (ب ۴۵)
- تبدیل مصوت کوتاه «ا» به مصوت بلند «او»
- پس گفت به مناسبت بزرگی جثه و **خوردی** جثه خر از آن شما (ب ۶۳)
- نویسنده متأثر از رسم الخطّ عربی «ت» را به شکل «ه» نگاشته است.
- غافل شد از جمع کردن روزی بجهت زمستان خود (ب ۱۲)
- مخفف نوشتن کلمات
- روباهی مرده دید و **ازو** برگذشت و توجه با راه نمود. (ب ۶۰)

تضمین یا عدم تضمین در حکایات

«تضمین یعنی بر عهده گرفتن تاوان، قرار دادن چیزی در ظرفی میباشد. در عرف گویندگان قدیم که نیز معمول بوده، در اصطلاح آن است که مصراع، بیتی یا ایاتی از شعر دیگران بر سبیل تمثیل و عاریت برای تاثیر بیشتر کلام در نفوس خواننده و مهارت و هنرنمایی خویش بیاورند.» (حسن زاده، ۱۳۸۴: ۷۴) حکایات «تحریر ترجمه درالّثیر فی النصیحه و التحذیر» آراسته به صنعت تضمین است. خواننده در پایان یا گاهی در اثنای حکایات به ایاتی از شاعران دیگر، آیه یا مثلی سائر بر می خورد که به جهت قوت و اعتبار بخشیدن به کلام استفاده شده است. مولوی، حافظ، سعدی، جامی، میرمشتاق اصفهانی، رشید و طواط، سنایی و... از جمله کسانی هستند که دبیراعلم کلام آخرش را به بیتی از این ادیبان پیوند می زند و در

دو حکایت به آیه و حدیثی از قرآن نیز اشاره می‌کند. وی در استفاده از این ابیات و کلام، به نام شاعر یا نویسنده اشاره‌ای نمی‌کند مگر در متن عربی حکایت اول که بیتی از «متنبی» نقل و گوینده آن ذکر شده است.

«معنی هذه الحكایة عند أهل الدرایة أن العاقل یتفکر فی الاقدام علی الامر قبل الشروع و فیه و لاحمق لا قد قیل من لم یتدبر فی العواقب ما الدهر له بصاحب والله ذر المتنبی حیث أتى بما هو عن معنی البیتی فقال:

«الرأی قبل شجاعة الشجعان هو اول ثم الهجوم الثانی»

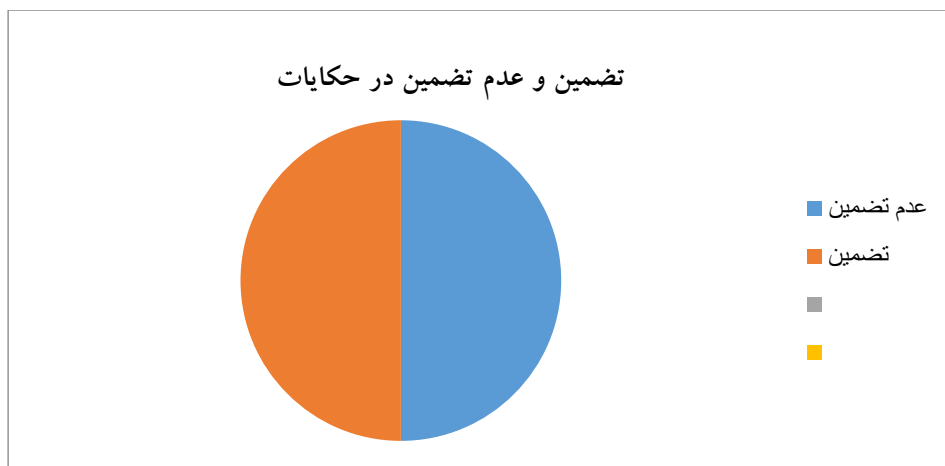
(همان: ۷)

تضمین به مصرعی از سعدی:

- خارج نمیشود نانجیب از طبع خودش یعنی اگر به هر مقام برسد نانجیبی خود را بروز خواهد داد چنانکه شیر دوشیده شده به پستان عود نمیکند، نانجیبی نیز قلب به نجابت نمیشود «درخت مقل نه خرما دهد نه شفتالو». (ب ۴۹)

جدول تضمین یا عدم تضمین در حکایات

۱۳ حکایت	۵-۶-۷-۹-۱۱-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۲۳-۲۴-۲۵		عدم تضمین
۱۳ حکایت	۱۰ حکایت	۱-۲-۸-۱۲-۱۰-۱۳-۱۹-۲۰-۲۲-۲۶	شعر
	۱ حکایت	۴	مفهوم شعر فارسی
	۱ حکایت	۲۱	مفهوم شعر عربی
	۱ حکایت	۸	حدیث
	۱ حکایت	۳	آیه



از ۲۶ حکایت موجود در «تحریر ترجمه درالنثیر» در ۱۳ حکایت هیچ تضمینی به کار نرفته و در ۱۳ حکایت دیگر تضمین‌های شعر، آیه و حدیث مورد استفاده قرار گرفته است و حتی مفاهیم شعر فارسی و عربی نیز تضمین شده است. گاهی به حکایتی بر می‌خوریم که هم از تضمین شعر و هم از تضمین حدیث بهره برده است. با توجه به جدول آماری ارائه شده تضمین شعر بیشترین بسامد را داراست.

حیوانات نقش آفرین در حکایات «تحریر ترجمه درالنثیر»

همچنانکه بیان شد حکایات «تحریر ترجمه درالنثیر» از نوع ادب فابل می‌باشد و شخصیت‌های اصلی آن حیوانات هستند. حیوانات نقش آفرین در این نسخه که هر کدام ممثل نوعی از شخصیت‌های انسانی می‌باشند عبارتند از: «گرگ (۲ بار) روباه (۷ بار) مور، صرصار، شیر (۵ بار) خر، خروس، گربه (۵ بار) موش (۲ بار) سگ (۲ بار) گوسفند، غراب / زاغ (۳ بار) بوزینه، سنگ‌پشت (باخه)، میمون، ماهی، طوطی، کبوتر، گاو، گاو میش، شتر، اسب، مار، قُمری، خرس که همگی یک بار نقش آفرینی کرده‌اند.

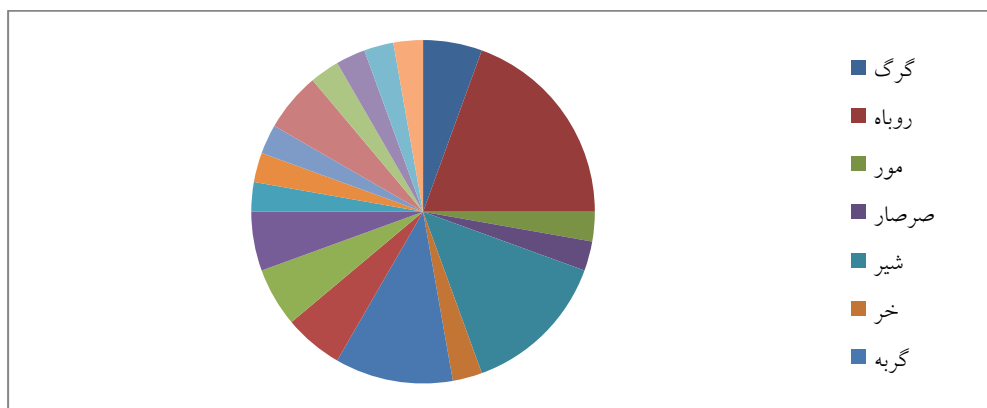
همچنین در چهار حکایت، از این نسخه قهرمان اصلی غیر حیوانی‌اند از جمله، حکایت دهم «زارع فضول»، سیزدهم «درخت بزرگ و درخت کوچک»، چهاردهم «معه و اعضاء» و حکایت بیست و دوم «ارباب صاحب ملک و پسران».

نکته قابل توجه در حکایات این نسخه، این است که شخصیت‌های نقش‌آفرین در تمام داستان‌ها یکسان و ایفاگر یک نقش ثابت نیستند. بلکه به فراخور موقعیت، رفتارهای متفاوتی از خود بروز داده و نماد تیپ دیگری از افراد می‌شوند. مثل سگ که در حکایت «هفتم» شخصیتی طماع و حریص دارد و در حکایت پنجم شخصیتی وفادار که از صاحب خود به جهت بی‌وفایی او رمنده و گریزان است، را به نمایش می‌گذارد. شخصیت زاغ نیز در داستان ششم «روباه و غراب» و در حکایت پانزدهم «زاغ» متفاوت می‌باشد. در حکایت ششم زاغ نماد افراد مغروری است که فریب مداح را می‌خورند اما در حکایت پانزدهم، در نقش فردی عاقل ظاهر می‌شود که با تدبیر و تعمق، به چاره جویی مشکلش می‌پردازد.

البته با توجه به اینکه غراب معنی عربی زاغ می‌باشد و نویسنده به جهت تسلط و احاطه بر هر دو زبان از دو واژه برای این حیوان استفاده کرده است. از این رو این دو حیوان را در آمار و ارقام یکسان در نظر گرفته‌ایم.

حیوانات	حکایت	تعداد حکایت
گرگ	۱-۱۸	۲ حکایت
روباه	۱-۵-۶-۱۶-۱۷-۲۰-۲۵	۷ حکایت
مور	۲	۱ حکایت
صرصار	۲	۱ حکایت
شیر	۳-۱۲-۱۸-۲۰-۲۳	۵ حکایت
خر	۳	۱ حکایت
گر به	۴-۱۱-۱۹-۲۳	۴ حکایت

موش	۴-۱۱	۲ حکایت
سگ	۵-۷	۲ حکایت
غراب (زاغ)	۶-۱۵	۲ حکایت (اغراب+زاغ)
بوزینه	۸	۱ حکایت
سنگ پشت	۸	۱ حکایت
ماهی	۹	۱ حکایت
طوطی	۱۹-۲۴	۲ حکایت
کبوتر	۲۱	۱ حکایت
قمری	۲۵	۱ حکایت
خرس	۲۶	۱ حکایت
مار (اژدها)	۲۴	۱ حکایت



از ۱۸ حیوان نقش آفرین در حکایات «تحریر ترجمه درالنتیر» روباه با ۷ مورد نقش آفرینی در مقام اول قرار دارد و شیر با ۵ مورد و گربه با ۴ مورد ایفای نقش در مقام‌های دوم و سوم واقع هستند.

حجم حکایات

داستان‌های «تحریر ترجمه درالنثیر» از نظر تعداد شخصیت‌ها، درگیری آنها با موضوع داستان و بلندی و کوتاهی حکایت و روند حوادث زیاد بلند و طولانی نیستند. از شمارش تعداد سطور هر داستان فارسی و عربی مندرج در نسخه، میانگینی به دست آورده و داستان‌های ۱۸ تا ۲۲ سطری را داستان متوسط، زیر ۱۸ سطر را کوتاه و بالای ۲۲ سطر را داستان بلند به حساب آوردیم.

الف) در بخش فارسی:

- حکایت‌های اول، چهارم، پنجم، هشتم، هفدهم، بیستم، بیست و یکم، بیست و سوم داستان بلند هستند. (۸ حکایت)
- حکایت‌های دوم، سوم، دوازدهم، هجدهم، نوزدهم، بیست و دوم داستانی متوسط به حساب می‌آیند. (۶ حکایت)
- حکایات ششم، هفتم، نهم، دهم، یازدهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم، شانزدهم، بیست و چهارم، بیست و پنجم و بیست و ششم جزء حکایات کوتاه محسوب می‌شوند. (۱۲ حکایت)

ب) در بخش عربی:

- حکایات هشتم و پنجاه و هفتم بلند هستند. (۲ حکایت)
- حکایت‌های اول، چهارم، پنجم، هفدهم، بیستم، بیست و یکم، بیست و پنجم از حکایات متوسط این مجموعه هستند. (۷ حکایت)
- حکایت‌های دوم، سوم، ششم، هفتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم، شانزدهم، هجدهم، نوزدهم، بیست و دوم، بیست و چهارم، بیست و ششم جزء حکایات کوتاه به حساب آورد.
- عمده داستان‌های این مجموعه، چه در قسمت فارسی و چه در قسمت عربی، کوتاه هستند و این کوتاه بودن داستان باعث می‌شود که شنونده به آسانی بین آغاز و انجام حکایت

ارتباط معنایی را دریابد و زودتر به پیام، مفهوم و مضمون آن پی ببرد و این ویژگی هدف تعلیم را به سهولت برآورده می‌سازد. همچنین کوتاه بودن داستان‌ها، زیبایی اثر را به همراه داشته و دستیابی به ارتباط معنوی حکایات را برای خواننده سهل الوصول نموده است.

دبیر اعلم چونان پدری مهربان گویی این داستان‌ها را شبانه برای کودکی تعریف می‌کند. هر جا که کودک به خواب رفت، داستان را تمام می‌کند و اگر لازم باشد، کش و قوس مناسب را تا به خواب رفتن کودک به داستان داده و آن را با ذکر توضیحاتی مؤکدتر می‌کند.

جدول کوتاهی یا بلندی داستانهای فارسی

حکایت‌های بلند	۱-۴-۵-۸-۱۷-۲۰-۲۱-۲۳	۸ حکایت
حکایت‌های متوسط	۲-۳-۱۲-۱۸-۱۹-۲۲	۶ حکایت
حکایت‌های کوتاه	۶-۷-۹-۱۰-۱۱-۱۳-۱۵-۱۶-۲۴-۲۵-۲۶	۱۲ حکایت

جدول کوتاهی یا بلندی حکایات عربی

حکایت‌های بلند	۸-۲۳	۲ حکایت
حکایت‌های متوسط	۱-۴-۵-۱۷-۲۰-۲۱-۲۵	۷ حکایت
حکایت‌های کوتاه	-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۸-۱۹-۲۲-۲۴-۲۶ ۲-۳-۶-۷	۱۷ حکایت

مقایسه حجم حکایات در بخش عربی و فارسی

در مقایسه حجم داستان‌های عربی و فارسی چنین بر می‌آید که تعداد داستان‌های متوسط تقریباً یکسان است. (۶ داستان متوسط در فارسی و ۷ داستان متوسط در عربی) حجم داستان‌های کوتاه و بلند تفاوت فاحشی با هم دارند و تعداد داستان‌های کوتاه در عربی بیش از تعداد آنها در بخش فارسی است. دبیر اعلم داستانهای فارسی را با شرح و تفصیل بیشتری بیان کرده و از ابیات تضمینی فراوانی بهره برده است.

پیشینه و ردپای داستان‌های «تحریر ترجمه در النثیر فی النصیحة و التحذیر»

با توجه به سابقه کهن بیان داستان‌های تمثیلی از زبان حیوانات در ملل مختلف (فابل‌های ازوپ در قرن ششم قبل از میلاد، پنجانتترای هندی، مزرعه حیوانات، کلیله و دمنه، مرزبان نامه و ...) که نسبت دادن ویژگی‌های انسانی به حیوانات، امری معمول بوده است، این نوع نوشتار ادبی از زبان حیوانات و طنزهای ظریف و تأثیرگذار خلق کردن، غنا و تحرک و پویایی بیشتری به مباحث ادبی بخشیده است. حیواناتی که مثل انسان‌ها عمل می‌کنند، سخن می‌گویند، مکر می‌ورزند، می‌جنگند و حتی گول می‌خورند. در واقع هر کدام از حیوانات ممثل نوع و تیبی از انسان‌ها می‌باشند. در ادبیات فارسی ایران آثار ارزنده‌ای از این جنس در ادب کلاسیک و معاصر در دست داریم؛ آثاری نظیر: کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، گلستان، انوار سهیلی، روضه العقول، عیار دانش، بخشی از داستاهای مثنوی مولوی، ناصر خسرو و ... همچنین در ادبیات معاصر نیز ایرج میرزا، بهار، نیر سعیدی، پروین اعتصامی، حبیب یغمایی و ... از این نوع ادبی بهره برده‌اند. این در حالی است که در ادبیات غرب، حکایت‌های ازوپ پیشرو آثاری از این دست می‌باشد. لافونتن که تحت تأثیر مستقیم حکایات ازوپ بوده است نیز در این سلک از نویسندگان جای دارد.

با توجه به اینکه نوع فابل در هر دوره‌ای در ادبیات ایران مورد استقبال نویسندگان ایرانی قرار گرفته است. در عصر معاصر نیز نویسندگانی چون نیر سعیدی، ایرج میرزا، بهار به این نوع از ادب همت گماشته‌اند که با مقایسه داستان‌های این اثر با داستان‌های فابل در ادب معاصر بخشی از داستان‌های مشترک به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه موضوع و داستان حکایت ششم از این مجموعه حکایات، از جمله داستان‌هایی است که نظر نویسندگان و شعرای ایران و غیر ایرانی را جلب کرده است.

پیشینه این «روایه و غراب» نیز به مجموعه حکایات ازوپ می‌رسد. لافونتن فرانسوی نیز به نظم آن پرداخته است؛ ایرج میرزا نیز با برداشت آزاد از این داستان آن را به نظم کشیده است.

حکایت ششم از زبان ایرج میرزا

کلاغی به شاخی شده جای گیر یکی
 یکی روبهی بوی طعمه شنید
 بگفتا: «سلام ای کلاغ قشنگ!»
 اگر راستی بود آوای تو
 در این جنگل اندر سمندر بدی
 ز تعریف روباه شد زاغ، شاد
 به آواز خواندن دهان بر گشود
 بگفتا که: «ای زاغ این را بدان
 خورد نعمت از دولت آن کسی
 چنان چون به چربی نطق و بیان
 به منقار بگرفته قدری پنیر
 که پیش آمد و مدح او برگزید
 که آیی مرا در نظر شوخ و شنگ!
 به مانند پرهای زیبای تو!
 بر این مرغها جمله سرور بدی!
 ز شادی نیورد خود را به یاد
 شکارش بیافتاد و روبه ربود
 که هر کس بود چرب و شیرین زبان
 که بر گفت او گوش دارد بسی
 گرفتم پنیر تو را از دهان
 (دیوان، ایرج میرزا: ۱۵۳)

حبيب یغمایی (۱۳۵۵-۱۲۸۰) یکی از شاعران و ادیبان معاصر است که بیشتر عمر خویش را در راه تعلیم و تربیت فرزندان ایران زمین گذرانده است. تحصیل در مدرسه آلیانس، و آشنایی با ادبیات فرانسه و مطالعه آثار لافونتن و درونمایه‌های تعلیمی افسانه‌های وی موجب شد که این معلم فرزانه به سوی آنها گرایش پیدا کند و تحت تأثیر لافونتن یکی از فابل‌های او را به نام «زاغ و روباه» به نظم در بیاورد. این نظم برای سال‌ها در کتاب فارسی سوم دبستان با کلامی روان و تأثیرگذار موجب شد تا چندین نسل از کودکان ایرانی این داستان را از حفظ بخوانند. این شعر زیبا یکی از ماندگارترین خاطره دوران دبستان من و هم نسلی‌هایم است.

زاغکی قالب پنیری دید
 به دهان بر گرفت و زود پرید
 بر درختی نشست در راهی
 که از آن می‌گذشت روباهی
 روبه پرفریب و حیل‌ساز
 رفت پای درخت و کرد آواز
 گفت: به به چه قدر زیبایی
 چه سری چه دُمی عجب پایی

(سرنوشت (دیوان) یغمایی: ۶۵)

نیر سعیدی نیز با زبان خود به بیان این داستان پرداخته است.

در ادبیات آذربایجان نیز شاعر پرآوازه آذربایجانی «میرزا علی اکبر صابر» نیز این داستان

را چنین به تصویر می کشد.

پنذیر	آغزیندا	بیر	قار قارغا	او چاراق	قوندی	بیر	اوجا	بوداغا
تولکی	پورجک	یاواش -	یاوش	گلدی	اندیریب	باش	ادبله	چومبلدی
بیر	زمان	حسرت	ایله	قارغا	ساری	آلتدان -	آلتدان	ماریتدی
دئدی:	« احسن	سنه،	آ	قارغا	آغا	نه	نزاکنله	قونموسان
بزه	دین	سم	بو	گون	بیزیم	چمنی	شاد	قیلیدین
نه	گوزه	لسن،	نه	خوش	لقاسن	یثری	وار	سؤیله
توکلریندیر	ایپک	کیمی	پارلاق	بد	نظردن	وجودون	اوولسون	ایراق
بو	یقین	دیر	کی،	وار	سئوملی	سسین	اوخو،	ورسین
بؤیله	سؤزدن	فرحله	نیب	قارغا	آغزینی	آچدی	تا	کی،
غا	اندرکن	هنوز	بیرجه	کره	پنذیری	دیمدیگندن	ائندی	یثره
تولکی	فوراً	هواده	قاپدی	یئدی	قارغایا	طعنه	ایله	بؤیله
اولماسایدی	جهاندا	سارساقلار	آج	قالاردی	یقین	کی	یالتاقلار	

(هوپ هوپ نامه، صابر: ص ۵۲۹)

نتیجه گیری

متون فارسی در سیر نثرنویسی خود همچون دانه‌های زنجیری به هم متصل و پیوسته هستند و همدیگر را کامل می‌نمایند. بنابر این بسیار مهم است میرزا تقی ساوجبلاغی، «دبیراعلم» و آثار بزرگی چون «تحریر ترجمه درالنتیر فی النصیحه و التحذیر» که در پرده خمولی به سر می‌برند به جامعه ادبی ایران معرفی شوند تا تحقیقات ادبی در حوزه‌های تطبیق، زبان شناسی، سبک

شناسی و... آن انجام گیرد. از بررسی تضمینهای به کار رفته در این اثر میتوان چنین بیان کرد که دبیراعلم، به آثاری نظیر گلستان، کلیله و دمنه و مثنوی و... توجه داشته است همچنین از ابیات بیشترین استفاده کرده و کلام خود را مستند به ابیات یا مصرعی این آثار میکند. بیان حکایات در این اثر چنان راه تطویل پیش نگرفته‌اند و سعی شده با بیان موجز و مختصر آن اصل اخلاقی که منظور نظر داستان است بیان شود. پیشینه و ردپای حکایات در ادبیات فارسی از قسمتهای بسیار جالب توجه در این نسخه خطی میباشد.

کتابنامه

- ۱- ایرج میرزا، (۱۳۴۹)، *تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار به اهتمام جعفر محجوب*، بیجا.
- ۲- جهانبخش، جويا، (۱۳۷۸)، *راهنمای تصحیح متون*، تهران: میراث مکتوب.
- ۳- حسن زاده، شهریار، (۱۳۸۴)، *بدیع*، خوی: قراقوش.
- ۴- حسینی اشکوری، احمد، (۱۳۷۷)، *فهرست نسخه‌های خطی*، قم: مرکز احیاء میراث اسلامی.
- ۵- دانش پژوه، افشار، محمدتقی، ایرج، (۱۳۴۴)، *نشریه نسخه‌های خطی دانشگاه تهران*، تهران: دانشگاه تهران.
- ۶- درایتی، مصطفی، (۱۳۹۰)، *فهرستگان نسخ خطی ایران*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه و کتابخانه ملی جمهوری ایران.
- ۷- ساووجبلاغی، (دبیراعلم) میرزاتقی، نسخه خطی به شماره ۶۳۷، *تحریر ترجمه درالنثیر فی النصیحة و التحذیر*، نسخه خطی: تهران: کتابخانه ملک.
- ۸- ستوده، غلامرضا، (۱۳۸۰)، *مرجع شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی*، نشر سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی سمت، چاپ هشتم.
- ۹- صابر (طاهرزاده)، علی اکبر، (۱۳۸۹)، *هوپ هوپ نامه*، اردبیل: شیخ صفی الدین اردبیلی.
- ۱۰- صفوی، کوروش، (۱۳۹۴)، *هفت گفتار درباره ترجمه*، تهران: مرکز.
- ۱۱- فدایی، غلامرضا، (۱۳۸۷)، *آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب (فارسی و عربی)*، تهران: سمت.
- ۱۲- مایل هروی، نجیب، (۱۳۸۰)، *تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- ۱۳- یغمایی، حبیب، (۱۳۵۱)، *سرنوشت (دیوان حبیب یغمایی)*، تهران: بهین، چاپ اول.
- ۱۴- متینی، جلال، (۱۳۴۶) *رسم الخطّ در قرن پنجم هجری*، جستارهای ادبی، تابستان و پاییز، شماره ۱۰-۱۱، ص ۱۵۹-۲۰۶
- ۱۵- یلمه‌ها، احمدرضا، (۱۳۹۰)، *بررسی و تحلیل نوعی از تصرفات کاتبان در نسخه‌های خطی*، پژوهش نامه زبان و ادبیات فارسی، سال سوم، شماره نهم، ص ۱۶۲-۱۷۵